

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۹۵/۰۷/۲۵

«معاویة» و شجره ملعونه بنی امیه؛ کینه ای ترین دشمن اهل بیت (علیهم السلام)!

برنامه حبل المتین

مجری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدایی که جان می دهد

زبان را به گفتن توان می دهد

«أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ [أَبْدًا] مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ

الَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ أَسْلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى

أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»

فرازهایی از زیارت عاشورا

سلام و درود به پیشگاه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولایت»؛ این برنامه زنده «حبل المتین» است که تقدیم حضور شما می شود.

اجازه بدهید که در همین ابتدای برنامه عرض تسلیت و تعزیت داشته باشم به مناسبت ایامی که پشت سر گذاشتیم، ایامی که در پیش رو داریم، ایام اسارت آل الله! آرزوی قبولی طاعات و عبادات و عزاداری های شما عزیزان را در درگاه حضرت حق دارم.

عزیزان و بزرگوارانی که در ایران اسلامی هستند در دهه اول محرم عزاداری برگزار می‌کنند، و البته در برخی از شهرها الحمدلله رب العالمین عزاداری‌ها تا پایان ماه صفر ادامه دارد.

خدا را شکر امسال می‌دیدیم که عزاداری عزیزان ما در کشورهای مختلف از جمله آمریکا و انگلیس و کشورهای دیگر واقعاً پرشور و پرشکوه و با عظمت‌تر از سال‌های گذشته برگزار شد و بحمدالله چراغ عزاداری امام حسین (علیه السلام) روشن بود.

خدا را شکر می‌کنیم که خداوند متعال امسال هم به ما روزی و حیات داد، زنده بودیم و در مجالس و محافل عزاداری امام حسین (علیه السلام) شرکت می‌کردیم.

از خداوند متعال می‌خواهیم این روزی‌ها را دوباره نصیب ما کند، به‌ویژه اربعین کنار حرم باصفای ابا عبدالله الحسین (علیه السلام). ان‌شاءالله این توفیق نصیب ما و شما بشود!

ما در برنامه زنده «جبل‌المتین» امشب هم در محضر استاد بزرگوارمان حضرت آیت‌الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. قبل از اینکه با این بزرگوار سلام و احوالپرسی کنیم من راه‌های ارتباطی را بگویم که آقای کیا زحمت بکشند برای شما زیرنویس کنند.

«۳۰۰۰۱۲۰۳» سامانه پیام کوتاه ما هست. همچنین شماره تلفنی زیرنویس شده است که می‌توانید در گوشی تلفن همراه خودتان ذخیره کنید و از طریق واتس‌آپ، تلگرام و وایبر هرگونه پیامی که مدنظرتان بود برای ما ارسال کنید.

موضوعی که الآن می‌خواهیم به آن پردازیم، نقش معاویه در شهادت امام حسین (علیه السلام) است که در برنامه‌های گذشته این بحث را مطرح کردیم و الآن می‌خواهیم آن را به جایی برسانیم.

از عشق و ارادت و محبتتان به ساحت مقدس سیدالشهدا (علیه السلام) و مجالس و محافل عزاداری که در شهر و دیار شما برگزار شده است، می‌توانید از طریق راه‌های ارتباطی که برای شما زیرنویس می‌شود، انتقال بدهید.

ما تلاش می‌کنیم اگر فرصتی باقی ماند بخشی از برنامه را به تلفن‌های شما اختصاص بدهیم. حضرت استاد سلام علیکم و رحمة الله:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز، گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار داده اند خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی سرور آزادگان و اهل بیت گرامی آن بزرگوار به ویژه خواهر داغدارش عقيله بنی هاشم زینب کبری (سلام الله علیها) قسم می‌دهم فرج مولای ما بقیة الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما و شما گرامیان را از یاران خاص و سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم به آبروی عقيله بنی هاشم گرفتاری‌های همه ما را برطرف سازد، حوائج ما را برآورده کند، دعاهای ما را به اجابت مقرون کند؛ ان شاء الله.

مجری:

ان شاء الله. حضرت استاد خیلی ممنونم که بزرگواری فرمودید و امشب هم توفیق پیدا کردیم که در خدمت شما باشیم.

در دهه اول محرم حضرتعالی در برنامه زنده «بعثت خون» که برخی از شبها عزیزان در خدمت شما بودند و اجرای آن بر عهده آقای حسینی بود، بحثی را آغاز کردید که خیلی بحث خوبی بود.

این بحث مورد توجه بینندگان و مخاطبین ما قرار گرفت و اتفاقاً یکی از سؤالاتی که ما از اهل سنت هم می پرسیدیم همین بود که نقش معاویه و یزید را در شهادت امام حسین (علیه السلام) به ما بگویند.

این بحث ناتمام و ناقص ماند؛ ما درواقع به این نتیجه رسیدیم که این بحث را با شما ادامه بدهیم که به جای مطلوب برسد.

از آنجایی که چند جلسه از این مباحث گذشته است و شاید برخی از دوستان بیننده ما نتوانستند همه جلسات را مشاهده کنند؛ به ویژه اینکه در دهه محرم برگزار می شد و مجالس و محافل عزاداری هم برپا بود.

دوستان ما می خواهند این مباحث را به یک پک تبدیل کنند و مختصر و مفید و کامل و جامع در اختیار دیگران قرار بدهند. اگر صلاح بدانید خلاصه ای از آنچه در گذشته فرمودید دو مرتبه بیان کنید تا سؤالات جدید را مطرح کنم.

خلاصه ای از مطالب بیان شده در برنامه «بعثت خون» در مورد معاویه!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر.

سؤالی که فرمودید نکته ظریفی بود که ما تصمیم داشتیم در این ایام محرم در رابطه با نقش معاویه در به شهادت رساندن سیدالشهدا (علیه السلام) و ایجاد اختلاف میان امت اسلامی و تبدیل مسیر اسلام به سلطنت مطالبی را بیان کنیم.

در حال حاضر گرفتاری‌هایی که در جهان اسلام وجود دارد عمدتاً به عملکرد معاویه برمی‌گردد. قبل از اینکه به سؤال حضرتعالی جواب بدهم، ناگزیرم عرض کنم که ما برای مقدسات اهل سنت احترام قائل هستیم و هرگونه توهین و جسارت را خلاف شرع و حرام می‌دانیم.

تعبیر حضرت آیت الله العظمی سیستانی همواره در «شبکه جهانی ولایت» شعار ما بوده است، که می‌گویند:

«لا تقولوا اخوانا السنة، بل قولوا أنفسنا أهل السنة»

نگویید برادران اهل سنت، بلکه بگویید عزیزان اهل سنت!

بنده دو سه هفته قبل از ماه محرم خدمت ایشان در نجف اشرف رسیدم، ایشان دو مرتبه فرمودند: بعضی از علمای شیعه "برادران اهل سنت" می‌گویند؛ اما من می‌گویم: "برادران اهل سنت" نگویید، بلکه "عزیزان اهل سنت" بگویید!!

حرف ایشان در حقیقت شعار ما بوده است. در حال حاضر هم هرگونه ایجاد اختلاف میان شیعیان و اهل سنت به ضرر هر دو طرف خواهد بود.

غیر از دشمنان دین و دشمنان اسلام و کفر جهانی و صهیونیستم بین المللی کسی از این اختلاف سودی نخواهد برد! وهابیت اختلافاتی هم میان مسلمانان ایجاد کرده‌اند که تعدادی از آنان جاهل و بی‌خبر هستند و فریب شیاطین را می‌خورند.

این افراد فردای قیامت خواهند گفت: "خدایا ما بزرگانمان را اطاعت کردیم، عذاب آنان را دوبرابر کن!!"

خداوند عالم هم عذاب عالمان، مولوی‌ها و مفتیان وهابی را دوبرابر خواهد کرد و هم عذاب وهابیت را دو برابر خواهد کرد؛ زیرا اگر وهابیت دنباله‌رو عالمان خود نبودند، مفتیان آنان دست از فتاوی تکفیری برمی‌داشتند!

یکی از علل تقویت کفر، پیروان کفر و کسانی هستند که از کفر تبعیت می‌کنند، از فتاوی تکفیری استقبال می‌کنند و در برابر فتاوی تکفیری نمی‌ایستند. این قضیه برای ما کاملاً واضح و مسلم است.

نکته دوم این است که ما معاویه را اصلاً مسلمان نمی‌دانیم. از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، از دیدگاه صحابه، از دیدگاه تعدادی از تابعین و اتباع تابعین این شخص اصلاً وارد اسلام نشده است.

ما معاویه را نه تنها صحابه نمی‌دانیم، بلکه مسلمان بودن این شخص هم مدفوع است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نامه ۱۶ نهج البلاغه به صراحت می‌فرمایند: معاویه و یارانش که در فتح مکه به ظاهر مسلمان شدند، تنها کفر خود را مخفی کردند.

ما در این زمینه از علمای اهل سنت روایات فراوانی داریم. از رسول گرامی اسلام روایات فراوانی داریم مبنی بر اینکه فرمودند: معاویه بر غیر از ملت من می‌میرد، معاویه در چاهی در آتش جهنم خواهد افتاد!

این روایات را اهل سنت نقل کردند؛ همچنین لعن معاویه از زبان رسول گرامی اسلام با سند معتبر و صحیح نقل شده است.

ما اگر بحث معاویه را پیش می‌کشیم به این دلیل است که نه تنها معاویه را از مقدسات اهل سنت و صحابه نمی‌دانیم؛ بلکه مسلمان بودن او برای ما ثابت نیست و این مسئله طبق ادله قطعی روایات شیعه و اهل سنت برای ما محرز است.

بنابراین بعضی از عزیزان اهل سنت بزرگواری کنند و اگر ما در این زمینه ورود پیدا کردیم، فوراً جانبداری نکنند. ما احساس می‌کنیم که آقای «مولوی» تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرد و حرف‌های نامربوط می‌زند. او می‌گوید: "هرکسی به معاویه توهین کند، ما او را مسلمان نمی‌دانیم!"

با اینکه مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند: "اگر کسی بخواهد به مقدسات و رموز اهل سنت اهانت کند، من شخصاً با او برخورد خواهم کرد!"

ما افراد زیادی از علما و دیگر افراد داشتیم که به مقدسات اهل سنت اهانت کردند و به همین خاطر زندان رفتند و خلع لباس شدند؛ ما از این موارد الی ماشاءالله داریم.

در طول سی و اندی سال موارد زیادی مشاهده شده است که افرادی به مقدسات اهل سنت توهین کردند و نظام جمهوری اسلامی هم با آنان برخورد کرده است.

صحبت‌های مقام معظم رهبری در روز عید غدیر هم گواه بر این مدعاست؛ حال نمی‌دانم آقای که می‌گوید: "هرکسی معاویه را مسلمان نداند و یا به معاویه توهین کند، ما او را مسلمان نمی‌دانیم" چه منظوری دارد.

تکفیری‌ها و کسانی که به آقای «مولوی» ناسزا می‌گویند و او را مزدور نظام، زندیق و خارج از اسلام معرفی می‌کنند، کلیپ‌های او را پخش می‌کنند!

جالب است که خود حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) هم در مورد معاویه بیان کردند: معاویه کفر سابق خود را داشت!

بعضی افراد کاسه داغ‌تر از آش هستند و در میان شیعیان هم کسانی داریم که از اهل سنت متعصب‌تر هستند؛ زمانی که نام معاویه برده می‌شود، آن‌ها می‌گویند: این شخصیت از مقدسات اهل سنت هست و باید او را "جناب معاویه" خطاب کنید!!

ما می‌خواهیم این آقایان بدانند که اگر ما به این مباحث ورود پیدا کردیم، ورود ما ورود به حق است. مدعیان وحدت، بنیانگذاران وحدت، طرفداران و حامیان وحدت هم معاویه را جزو رموز و مقدسات اهل سنت نمی‌دانند! معاویه اصلاً سابقه اسلامی ندارد؛ او ۱۸ سال به طور علنی با اسلام جنگیده است و در چند سال بعد هم از ترس مسلمانان کفر خود را مخفی کرده است. ما ادله متعددی از کتب اهل سنت مبنی بر کفر معاویه خواهیم آورد. آقایان اهل سنت شاید بالای ۱۵ دلیل آوردند که صراحتاً بر کفر معاویه دلالت می‌کند. وظیفه ما گفتن است؛

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سخنم پند گیر، خواه ملال

ما بحثی را در اول محرم شروع کردیم که به گمانم یک جلسه هم بیشتر طول نکشید. جلسات بعد دیگر در مورد شبهات عزاداری بحث کردیم.

شجره ملعونه بنی امیه؛ مبغض ترین دشمن اهل بیت (علیهم السلام)!

اولاً شجره ملعونه در قرآن که مقام معظم رهبری هم از آل سعود به شجره خبیثه ملعونه تعبیر کردند. در سوره اسراء آیه ۶۰ وارد شده است:

(وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ)

شجره‌ای که در قرآن لعن شده،

سوره اسراء (۱۷): آیه ۶۰

اگر شما به تفاسیر قرآن کریم توجه کنید، خواهید دید که بزرگان اهل سنت این آیه را چطور معنا کردند. ما علمای شیعه را کنار می‌گذاریم، آقای «بدرالدین عینی» در کتاب «عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری» به صراحت می‌گوید:

پیغمبر اکرم مشاهده کرد که بنی امیه از منبر ایشان همانند میمون‌ها بالا می‌روند، و خداوند عالم آیه ۶۰ سوره مبارکه اسراء را نازل فرمود. بعد از او دیگر کسی رسول گرامی اسلام را خندان ندید تا از دنیا رفت.

همچنین «امام قرطبی» در کتاب «تفسیر قرطبی» که خلاصه‌ای از تفسیر شش قرن اولیه اسلام است، از قول «سهل بن سعد» می‌گوید:

«أن رسول الله كان يرى بنى أمية ينزون على منبره نزو القردة»

رسول الله مشاهده کرد که بنی امیه همانند میمون از منبر بالا می‌روند،

«فاغتم لذلك وما استجمع ضاحكا من يومئذ حتى مات»

بعد از او دیگر پیغمبر اکرم خندان دیده نشدند تا از دنیا رفتند.

«قوله تعالى: (والشجرة الملعونة فى القرآن)»

بعد از آن آیه شریفه (والشجرة الملعونة فى القرآن) نازل شد.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب

– القاهرة، ج ۱۰، ص ۲۸۳، باب الإسراء: (۶۰) وإذ قلنا لك

این مطلب خیلی واضح و روشن است. همچنین آقای «آلوسی» در کتاب «تفسیر آلوسی» جلد پانزدهم مفصل این قضیه را از قول «ابن ابی حاتم»، «ابن مردویه»، «بیهقی»، «ابن عساکر»، «سعید بن مسیب» و همچنین از عایشه در رابطه با «مروان» مطرح می‌کنند.

سپس می‌گوید: شجره که می‌گوید به اعتبار اینکه این افراد بنی امیه هستند و دلیل این که لعن آنان از طرف پیغمبر اکرم صادر شده است به جهت این است که بنی امیه خون‌های معصوم و ناموس‌های محترم را مباح کردند!

بنی امیه همچنین اموال مردم را به زور تصرف کردند، حقوق اهل بیت عصمت و طهارت را غصب کردند، احکام الهی را تغییر دادند، حکم به غیر «ما أنزل الله» کردند. ایشان تمام این‌ها را می‌آورد و می‌گوید:

قبایح و جنایاتی که بنی امیه انجام دادند، تا قیام قیامت مادامی که شب و روز برقرار است، فراموش شدنی نیست!!

لعن این افراد یا در قرآن - همان‌طوری که شیعه گفته است - به خصوص آمده است، و یا به صورت عموم آمده است؛ سپس ایشان در ادامه ادله‌ای را بیان می‌کند.

بنابراین قضیه بنی امیه قضیه ثابتی است که **(وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ)** دیگر اسامی را تک تک بیان نکرده است. شأن نزول این آیه هم رفتن بنی امیه بر بالای منبر پیغمبر اکرم بوده است؛ اگر خلاف این مسئله ثابت شده است آقایان بفرمایند تا ما اصلاح کنیم.

همچنین در آیه ۲۸ سوره مبارکه ابراهیم هم در «تفسیر طبری» با تحقیق آقای «دکتر ترکی» جلد ۱ صفحه ۱۰۹ مشاهده می‌کنیم که وارد شده است:

«ألم تر إلى الذين بدلوا نعمة الله كفرا وأحلوا قومهم دار البوار»

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠٥، ج ١، ص ١٠٩، باب البقرة: (٦) إن الذين كفروا... ..

در این تفسیر وارد شده است افرادی که نعمت الهی را به کفر مبدل کردند، دو قبیله فاجر بنی مغیره و بنی امیه هستند. بنی مغیره نابود شدند و در بدر تکلیف آنان تمام شد، اما بنی امیه مدت‌ها خواهند ماند. این روایت را ما نگفته‌ایم، بلکه از تفسیر طبری نقل شده است. «ابن تیمیه» هم به صراحت می‌گوید:

«وَتَفْسِيرِ ابْنِ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ وَ ابْنِ أَبِي حَاتِمٍ، تَفَاسِيرُهُمْ مُتَّصِمَةٌ لِلْمَنْقُولَاتِ الَّتِي يُعْتَمَدُ عَلَيْهَا فِي التَّفْسِيرِ»

تفسیر ابن جریر طبری و ابن ابی حاتم، متضمن روایاتی است که در تفسیر قرآن می‌شود به آنها اعتماد کرد.

منهاج السنة النبوية؛ ج ٧ ص ١٧٩ دار النشر : مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم

این مطلب خیلی واضح و روشن است. همچنین در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» در مورد آیه ٢٨ سوره مبارکه ابراهیم می‌آورد:

«فی قوله عز وجل (وأحلوا قومهم دار البوار) قال هم الأفجران من قريش بنو أمية وبنو المغيرة فأما بنو المغيرة فقد قطع الله دابرههم يوم بدر وأما بنو أمية فامتعوا إلى حين هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٢، ص

٣٨٣، ح ٣٣٤٣

جالب است که آقای «ذهبی» هم این روایت را صحیح خطاب کرده است. در این روایت بیان شده است که مراد از (وَ أَهْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ) بنی امیه هستند که سال‌ها بعد از نبی گرامی اسلام عمر خواهند کرد.

این مطالب کاملاً واضح و روشن است و در او هیچ شک و شبهه‌ای نیست. همچنین در روایت دیگری از کتاب «مستدرک علی الصحیحین» روایتی بیان شده است که بسیار جالب است. او می‌نویسد:

«قال رسول الله: إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ مِنْ بَعْدِي مِنْ أُمَّتِي قِتْلًا وَتَشْرِيدًا، وَإِنَّ أَشَدَّ قَوْمِنَا لَنَا بُغْضًا بَنُو أُمَّيَّةَ، وَبَنُو الْمُغِيرَةَ، وَبَنُو مَخْرُومٍ»

رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: اهل بیت من بعد از من به دست امت من گرفتار کشت و کشتار و آوارگی خواهند شد. بدترین دشمنان ما در میان امت ما نسبت به ما بنی امیه و بنی مغیره و بنی مخزوم هستند.

«هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه»

این سند صحیح است ولی مسلم و بخاری آن را نقل نکرده اند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۴، ص

۵۳۴، ح ۸۵۰۰

بنابراین طبق این روایت مبعوض‌ترین و بدترین و دشمن‌ترین افراد نسبت به اهل بیت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بنی امیه هستند. این روایت خیلی واضح و روشن است و نیازی به توضیح نیست.

خداوند عالم در مورد این افراد چنین تعبیری را در قرآن کریم به کار می‌برد و در آیه دیگری در مورد این افراد می‌فرماید:

(أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا)

این‌ها کسانی هستند که خدا از رحمت خود دورشان ساخته، و کسی که خدا او را دور کند، دیگر یآوری
برایش نخواهی یافت.

سوره نساء (۴): آیه ۵۲

طبق این آیه شریفه قرآن کریم تکلیف کسانی که خداوند متعال آنان را لعنت کرده است، معلوم کرده است. از
آیه شریفه (وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ) مشخص است کسانی که مورد لعن خداوند متعال قرار می‌گیرند، چه
سرنوشتی خواهند داشت.

من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

استا از شما خیلی ممنونم. نکته‌ای که گاهی گوشه و کنار مطرح می‌شود این است که یک سری روایات جعلی
در فضیلت معاویه درست می‌کنند.

شاید برای دوستان بیننده ما هم سؤال به وجود بیاید که ما اصلاً روایت صحیحی در فضیلت معاویه از پیامبر
گرامی اسلام داریم که از ایشان نقل شده باشد یا نداریم؟!

عدم وجود روایاتی از رسول گرامی اسلام در فضیلت معاویه!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ببینید در این زمینه حرف‌های زیادی وجود دارد. اگر بخواهیم همین بحث را مطرح کنیم، شاید چندین جلسه طول بکشد تا بیان کنیم که اصلاً ما روایتی در مورد فضیلت معاویه داریم یا نه، و اینکه این روایاتی که مطرح شده است چه روایاتی است!!

«ابن حجر عسقلانی» در کتاب «شرح صحیح بخاری» با تحقیق «دکتر براگ» چاپ عربستان سعودی در جلد هشتم زمانی که به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) یا عایشه می‌رسد «فضیلت» به کار می‌برد.

او می‌گوید فضیلت علی بن ابی طالب، فضیلت عایشة، فضایل حضرت زهرا اما زمانی که به معاویه می‌رسد کلمه «فضیلت» را به کار نمی‌برد؛ بلکه کلمه «مناقب» را به کار می‌برد. ما نمی‌دانیم که چطور «فضایل» تبدیل به «مناقب» شده است!!

«مناقب» در گذشته یک اصطلاحی بوده است؛ افرادی که معرکه‌گیر بودند و شروع به منقبت تراشی می‌کردند یا خیال‌بافی‌هایی داشتند. به عنوان مثال منقبت‌هایی برای رستم و سهراب یا دیگران می‌تراشیدند.

جالب این است که «ابن حجر» در این روایت نسبت به بخاری «ذکر» به کار می‌برد و حتی «منقبت» هم به کار نمی‌برد و می‌گوید:

«عبر البخاری فی هذه الترجمة بقوله ذكر ولم يقل فضيلة ولا منقبة لكون الفضيلة لاتؤخذ من حديث

الباب»

سپس می‌گوید:

«لان ظاهر شهادة بن عباس له بالفقه والصحبة دالة على الفضل الكثير»

ما در این مورد بحث خواهیم کرد و این روایت هم صددرصد جعلی است. سپس می‌گوید:

«وقد صنف بن أبي عاصم جزءا في مناقبه وكذلك أبو عمر غلام ثعلب وأبو بكر النقاش وأورد بن الجوزي في الموضوعات بعض الأحاديث التي ذكرها ثم ساق عن إسحاق بن راهويه انه قال لم يصح في فضائل معاوية شيء»

در این قسمت از روایت «اسحاق بن راهویه» بیان کرده است که در فضیلت معاویه ما یک روایت هم نداریم.

«فهذه النكتة في عدول البخاري عن التصريح بلفظ منقبة اعتمادا على قول شيخه»

او در ادامه می‌گوید:

«عبد الله بن أحمد بن حنبل سألت أبي ما تقول في علي ومعاوية فاطرق»

عبدالله بن احمد بن حنبل گفت: از پدرم پرسیدم که در مورد علی و معاویه چه نظری داری؟ او سرش را پایین انداخت و مقداری فکر کرد.

«اعلمان عليا كان كثير الأعداء ففتش أعداؤه له عيبا فلم يجدوا»

او گفت: می‌دانم که علی دشمنان زیادی داشت و آنان هرچه تلاش کردند عیب یا نقصی در زندگی علی پیدا کنند نتوانستند،

«فعمدوا إلى رجل قد حاربه»

به همین دلیل رفتند سراغ معاویه که با علی جنگیده و شروع کردند برای او فضیلت تراشیدند.

این حرف را امام اهل سنت زده است؛ منظور او این است که فضایی که دشمنان برای معاویه تراشیدند به دلیل بغض و عداوت نسبت به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بوده است.

آن‌ها هرکاری کردند نتوانستند عیبی در سراسر زندگی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پیدا کنند و به همین خاطر به فکر افتادند تا فضیلتی برای معاویه درست کنند تا بگویند: معاویه که علی با او جنگید دارای چنین فضایی بوده است!!

«فاطروه کیادا منهم لعلی فأشار بهذا إلی ما اختلقوه لمعاویة من الفضائل مما لا أصل له»

ابن تیمیه که می‌گوید: سراغ معاویه رفتند و چیزهایی برای او درست کردند، به خاطر این است که تمام روایاتی که در فضایل معاویه آوردند جعلی است.

«وقد ورد فی فضائل معاویة أحادیث كثيرة»

ما در فضایل معاویه روایات زیادی داریم،

«لکن لیس فیها ما یصح من طریق الإسناد»

اما یک مورد از آنان سند صحیح ندارد،

«وبذلک جزم إسحاق بن راهویة والنسائی وغيرهما والله اعلم»

بزرگانی از جمله اسحاق بن راهویه و نسائی که گفتند یک مورد روایت صحیح در مورد معاویه نداریم به همین جهت است.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،

دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۷، ص ۱۰۴، ح ۳۵۵۵

همچنین «بدرالدین عینی» در کتاب «عمدة القاری شرح صحیح البخاری» جلد شانزدهم صفحه ۲۴۹ همین روایت را بیان کرده است. او می‌گوید:

«من حيث إن فيه ذكر معاوية، ولا يدل هذا على فضيلته»

اگر شما بگوئید در فضیلت معاویه احادیث زیادی داریم، من می‌گویم بله اما یک مورد حدیث صحیح نداریم.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۱۶، ص ۲۴۹، ح ۶۶۷۳

ایشان مطالب مفصلی می‌آورد و تمام این روایات را رد می‌کند. «سیوطی» هم در کتاب «اللآلیء المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة» جلد اول صفحه ۳۸۸ از «اسحاق بن ابراهیم حنظلی» نقل می‌کند و می‌گوید:

«لا یصح فی فضل مُعاویة حَدِیثٌ»

در فضیلت معاویه یک حدیث صحیح هم وجود ندارد.

اللآلیء المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة، المؤلف: عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین السیوطی (المتوفی: ۹۱۱ هـ)، المحقق: أبو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عویضة، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج ۱، ص ۳۸۸

منظور او این است که تمام احادیث در فضیلت معاویه جعلی اند نه اینکه حدیث ضعیف است. میان حدیث ضعیف و حدیث دروغ تفاوت وجود دارد؛ حدیث ضعیف اگر سه مورد نقل شود، طبق مبنای شیعه و سنی مستفیض می‌شود.

در بین شیعیان اختلاف وجود دارد که این مطلب سه حدیث به بالا را شامل می‌شود، یا سه مورد هم مستفیض است. آقایان اهل سنت در این مورد اختلاف دارند که دو مورد به بالا مستفیض است یا دو مورد هم مستفیض

است!

نظر خود بنده این است که سه حدیث و بالاتر از آن مستفیض محسوب می‌شود. بنابراین روایات ضعیف با روایات جعلی و ساختگی فرق دارد. اینکه هزار روایت جعلی را کنار هم بگذارید همانند این است که هزار صفر را با هم جمع بزنید. حدیث دروغ و جعلی به این معناست! آقایان باید مقداری میان حدیث دروغ و حدیث ضعیف تفاوت قائل شوند.

من مقاله‌ای از آقای «حسن بن فرحان مالکی» دیدم که بسیار مقاله زیبایی است. این مقاله در سه بخش وارد شده است که دوستان آن را برای من ارسال کردند. در این مقاله توطئه‌های روایی ضد امام حسین (علیه السلام) مطرح شده است.

ایشان در این مقاله روایات یک سری از بزرگان اهل سنت را جمع آوری کرده است که آنان به مجرد اینکه روایتی در فضیلت امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) آورده است؛ بلافاصله برچسب تشیع می‌زنند و می‌خواهند روایت او را از کار بیندازند.

از طرف دیگر ما مشاهده می‌کنیم که در «صحیح بخاری» از منافقین، خوارج، نواصب و کسانی که به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ناسزا می‌گفتند و لعن می‌کردند هم روایت نقل کرده است و او را توثیق هم کرده است!

ما نمی‌دانیم اسم این کار آنان را چه بگذاریم که «عمر بن سعد» قاتل امام حسین (علیه السلام) را توثیق کرده‌اند! یکی از علمای اهل سنت بیان کرده است:

«کیف یکون قاتل الحسین ثقة»

چطور ممکن است که قاتل امام حسین ثقة باشد.

گاهی مواقع آش به قدری شور می‌شود که صدای آشپز هم درمی‌آید. بنده قول می‌دهم که وقتی در مورد معاویه صحبت کردیم، این مطالب را هم بررسی کنیم.

انشاءالله ما بررسی خواهیم کرد که این افراد نواصب را توثیق کردند، نواصب توثیق شده است ولی یک سری از بزرگان اهل سنت که از ائمه اهل سنت هستند، چون روایت در فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و صدیقه طاهره و اهل بیت دارند؛ آنان را تضعیف کردند!!

به عنوان مثال کار به جایی می‌رسد که «متوکل عباسی» که یکی از جانی‌ترین خلفای عباسی است، تعریف و تمجید شده است. خدای عالم او را و تمام کسانی که او را دوست دارند و از او دفاع می‌کنند لعنت کند!!

شما مشاهده کنید که «ابن تیمیه» و دیگران چقدر از این شخص تعریف و تمجید کرده است. آن‌ها ادعا می‌کنند که «متوکل عباسی» احیا کننده سنت پیغمبر اکرم و محو کننده بدعت بوده است!!

حال من نمی‌دانم که ویران کردن قبر مطهر سیدالشهدا (علیه السلام) و ویران کردن خانه‌های اطراف قبر مطهر ایشان و تبدیل کردن آنجا به مزرعه و آب بستن به آنها؛ احیا کردن سنت پیغمبر اکرم است یا نه!!

جنایاتی که از متوکل نقل شده است، در مورد هیچکدام از بنی عباس نقل نشده است. ایشان رقاصه‌ای داشت که جلوی متوکل به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ناسزاهای رکیک می‌داد!!

ناسزاهای او به قدری رکیک بود که «معتصم» به «متوکل» اعتراض کرد و گفت: اگر او می‌آمد نسبت به ابوبکر چنین تعبیری می‌کرد، آیا درست بود؟! همچنین رقاصه او اشعاری می‌خواند که بوی کفر می‌داد.

«متوکل» در برابر حرف «معتصم» از رقاص خود دفاع کرد و گفت: این شخص عزیز ماست، این شخص رقاص ما است. «معتصم» از همانجا تصمیم گرفت که «متوکل» را نابود کند و توطئه قتل او را از همانجا کشید.

بنابراین شما مشاهده کنید که در این روایت «لَا يَصِحُّ فِي فَضْلِ مُعَاوِيَةَ حَدِيثٌ» به معنای این نیست که روایت ضعیف است، بلکه به این معناست که روایات تماماً ساختگی است.

همچنین در کتاب «کشف الخفاء» اثر آقای «عجلونی» از علمای بزرگ اهل سنت است. ایشان در جلد دوم صفحه ۵۶۵ می‌گوید:

«وباب فضائل معاوية ليس فيه حديث صحيح»

کشف الخفاء ومزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس، اسم المؤلف: إسماعيل بن محمد العجلوني الجراحي، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۵، الطبعة: الرابعة، تحقيق: أحمد القلاش، ج ۲، ص ۵۶۵

همچنین «ابن حجر هیثمی» همین تعبیر را می‌آورد و می‌گوید:

«اعلم أن عليا كان كثير الأعداء ففتش له أعداؤه شيئا فلم يجدوه فجاءوا إلى رجل قد حاربه وقتله فأطروه كيدا منهم له»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيثمى، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج ۲، ص ۳۷۴

جالب اینجاست که خود «ابن تیمیه» که به تعبیر آقای «صالحی شامی» سرکرده منافقین است، در کتاب «منهاج السنة النبوية» یا «منهاج البدعة الأموية» جلد چهارم صفحه ۴۰۰ می‌گوید:

«وطائفة وضعوا لمعاوية فضائل ورووا أحاديث عن النبي في ذلك كلها كذب ولهم في ذلك حجج طويلة ليس هذا موضعها»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٤، ص ٤٠٠

اینکه ما گفتیم مراد از روایتی که صحیح نیست به معنای این نیست که روایت ضعیف است. آقایان می‌گویند: "ما صد روایت در این زمینه داریم و صد روایت هم متواتر است!"؛ نه این‌طور نیست!! روایات شما صد روایت جعلی است و روایت ضعیف نیست.

«ابن تیمیه» می‌گوید:

«وضعوا لمعاوية فضائل»

برای معاویه فضیلت‌هایی ساختند،

«وروا أحاديث عن النبي في ذلك كلها كذب»

و روایت‌هایی از پیغمبر اکرم در این زمینه نقل و جعل کردند که تمامی آنان دروغ است.

اگر در اینجا «كلها ضعيف» وارد شده بود، به معنای این است که حدیثی وجود داشته است اما ضعیف است. در اینجا بیان شده است که همه احادیث دروغ و ساختگی است! عرض کردم که اگر شما هزاران صفر را با هم جمع کنید مساوی با صفر است.

بنابراین عزیزان ما دقت کنند زمانی که خود «ابن تیمیه» می‌گوید: "تمام این روایات دروغ است!"; «كلها كذب» به معنای این است که تمام روایاتی که از در مورد معاویه آمده است، حتی روایتی که در «صحیح مسلم» از «ابن عباس» آمده هم دروغ است!!

انشاءالله اگر در جلسه‌های بعد این سؤال را بپرسید، مطرح خواهیم کرد که معاویه جزو کاتبین وحی بوده است یا نه؟! خیلی جالب است که بعضی از شارحین «صحیح مسلم» معطل و هاج و واج مانده‌اند.

در روایتی که در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است، نقل شده که «ابوسفیان» خدمت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌رسد و عرض می‌کند: یا رسول الله! حال که من بعد از ۱۸ سال جنگیدن مسلمان شدم، از شما چند خواهش دارم.

یکی از خواهش‌های او این است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) معاویه را کاتب وحی خود قرار بدهد؛ یعنی کسی که ۱۸ سال با پیغمبر اکرم جنگیده بیاید و کاتب وحی آن بزرگوار شود!!

دومین خواهش او این است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) دختر او «أم حبیبه» را به عقد خودشان دریاورد. همه از حرف او تعجب می‌کنند و می‌گویند: شوهر أم حبیبه زمانی که مسلمانان به حبشه رفته بودند که حدود سه یا چهار سال قبل از فتح مکه بوده است، آنجا از دنیا رفت و چند سال قبل از فتح مکه با «أم حبیبه» ازدواج کرده است.

«ابوسفیان» می‌گوید: یا رسول الله! اجازه بدهید به خاطر تشرف ما به دین اسلام، افتخار پدرزنی شما را داشته باشم.

مردم گفتند: ابوسفیان می‌دانست که دخترش چند سال است که همسر پیغمبر اکرم است؛ «ابوسفیان» می‌خواست به این بهانه عقد دومی هم بخواند. کارهای مسخره و حماقت‌های این افراد را مشاهده کنید.

آیا تا به حال پیش آمده است کسی از داماد خود خوشش بیاید و به او بگوید به جهت کار خوبی که من برای تو انجام دادم یک مرتبه دیگر هم عقد دختر من را جاری کنی؟! مردم به عقل این شخص خواهند خندید!!

در اصل به جهت ایجاد علقه زوجیت میان دو نفر بین آنان عقد جاری می‌کنند، اما زمانی که چند سال است که علقه زوجیت ایجاد شده است این کار چه سودی دارد؟! همچنین در مورد ماجرای بیعت امیرالمؤمنین (سلام

الله علیه) بعضی از احمق‌ها قضیه را این‌طور تعبیر می‌کنند!

در کتاب «صحيح بخارى» حديث ۴۲۴۰ و ۴۲۴۱ به صراحت وارد شده است که اميرالمؤمنين مادامی که حضرت زهرا (سلام الله عليها) در قيد حيات بودند، با خلفا بيعت نفرمودند و پس از آن بيعت کردند.

بعضی از افراد می‌گویند: "علی بن ابی طالب اوایل خلافت خلفا بيعت کردند؛ اما برای اینکه این بيعت مقداری محکم‌تر شود به جهت تأکید بيعت، بيعت دیگری انجام دادند." من نمی‌دانم به عقل این افراد بخندیم یا برای این تعصب به حالشان گریه کنیم!!

چطور شد از میان این همه افرادی که با ابوبکر بيعت کرده بودند، هیچکسی نیامد برای تأکید بيعت روزهای اول، بعد از چند ماه دومرتبه بيعت کند. اصلاً در کتاب «صحيح بخارى» و «صحيح مسلم» وارد شده است:

«ولم یکن یتابعنک الأشهر»

اميرالمؤمنين اصلاً در آن چندماه بيعت نکرده بود.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۴، ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸

این افراد می‌گویند: "علی بن ابی طالب بيعت کرده بود، حال بعد از چند ماه دومرتبه بيعت دیگری انجام دادند!!"

اگر قرار بود که اميرالمؤمنين (عليه السلام) بيعت کنند، «طلحه» هم بيعت می‌کرد، «زبير» هم بيعت می‌کرد، «عبدالرحمن بن عوف» و «سعد بن ابی وقاص» هم بيعت می‌کردند؛ زیرا این افراد از كبار صحابه بودند!! چطور شد که قرعه بيعت دوم تنها به نام اميرالمؤمنين افتاد؟! دوستان عزيز بعضی از تعصبات نمی‌گذارد که ما حقایق را بنگریم. این عصبیت‌ها، وابستگی‌ها و نگاه کردن یک سويه مانع می‌شود که بتوانیم حقایق را ببینیم.

فردای قیامت به حال امروز تأسف خواهیم خورد. لحظه‌ای که مرگ به سراغ ما آمد و چشم ما به حضرت عزرائیل افتاد، می‌بینیم که ورق برمی‌گردد و آنچه که عمری به دنبال آن بودیم به فنا رفت. در آن زمان باید چکار کنیم؟!

(رَبِّ اِزْجَعُونَ لَعَلِّيْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا)

بار الها مرا به دنیا بازگردان تا شاید به تدارک گذشته عملی صالح به جای آرم و به او خطاب شود که هرگز نخواهد شد.

سوره مؤمنون (۲۳): آیه ۹۹ و ۱۰۰

در آنجا دیگر پشیمانی سودی ندارد. ما می‌گوییم: شیعه و سنی تعصب را کنار بگذاریم و دوستانه بنشینیم و بحث‌های دوستانه علمی با هم داشته باشیم. نه همدیگر را تکفیر کنیم، نه همدیگر را تصدیق کنیم، نه نسبت به همدیگر اهانت کنیم.

نباید عصبانی شویم و از کوره در برویم، بلکه باید بنشینیم و با هم صحبت‌های علمی کنیم. اگر طرف مقابل ما متوجه نشد یا اینکه بنده از روی لجاجت قبول نکردم، حداقل میلیون‌ها شیعه مشاهده می‌کند که قزوینی از روی لجاجت مطالب را قبول نکرد! این مطالب روشن خواهد شد. مگر شما نمی‌خواهید که شیعیان را روشن کنید، پس چرا نمی‌آیید؟!

همچنین هزاران وهابی یا هزاران جوان سنی زمانی که می‌بیند این شخص لجاجت می‌کند، به خاطر لجاجت این شخص هم ثابت می‌شود که بحث، بحث لجاجت است و بحث روشنگری نیست. در حالی که خداوند می‌فرماید:

(فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ)

پس بندگان مرا بشارت ده همان‌هایی را که به هر سخنی گوش می‌دهند پس بهترین آن را پیروی می‌کنند،

سوره زمر (۳۹): آیه ۱۷ و ۱۸

ما می‌گوییم که مطابق آیه ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه زمر؛ قرآن کریم به همگان بشارت داده است؛ بگذارید مخاطبین ما از این سردرگمی خلاص شوند.

این وهابی خبیث، بی‌حیایی را از حد گذرانده است!!

وهابی‌ها گاهی اوقات تعابیری به زبان می‌آورند که انسان واقعاً متأسف می‌شود. بعضی از این شیاطین «أخبث من الشیاطین» هستند؛ اگر ما در مورد آنان «أخبث من الخنزیر و الکلاب» بگوییم، شاید به خنزیر و کلاب توهین باشد!!

کارشناسان وهابی شبهه ایجاد می‌کنند و می‌پرسند: "ره‌آورد عزاداری امام حسین (علیه السلام) امسال چه بوده است؟!"; بنده خجالت می‌کشم کلیپ این حرف آنان را پخش کنم. شاید دوستان ما در چالش این کلیپ‌ها را پخش کنند و شاید پخش کردند من ندیدم.

آقای «کالکرابی» که دیگر حسب و نسب خود را ظاهراً از یاد برده است و کاری می‌کند که ما برنامه «کالکراب دوم» را هم پخش کنیم!! صبر ما هم اندازه‌ای دارد، اما این شخص کاری می‌کند که صبر ما لبریز شود.

مجری می‌پرسد: "آقای حیدری ره‌آورد عزاداری امسال چه بوده است؟!"; او می‌گوید: "ره‌آورد عزاداری امسال این بود که این آقایان آمدند کار ضد اسلام و ضد سنت پیغمبر اکرم را در سراسر دنیا انجام دادند. عزاداری امسال برای علما و مراجع و تجاران دین چند فایده داشت!"

دوستان عزیز شما را به هرکسی که قبول دارید قسم می‌دهم. اگر خدا را قبول دارید شما را به خدا قسم می‌دهم، اگر پیغمبر را قبول دارید شما را به پیغمبر اکرم قسم می‌دهم که شما قضاوت کنید.

او می‌گوید: "عزاداری امسال برای تاجران دین سه ره آورد داشته است؛ ره‌آورد اول این است که آنان از عزاداری امسال از لحاظ شهوت پرستی بهره بردند! آنان بر منابع از روابط خود با زنان شوهردار، زنان کفار، زنان یهودی و زنان نصاری تبلیغ می‌کردند!!!"

او تنها زنان وهابیت تکفیری را از این قاعده مستثنی کرد و از آنان نامی به میان نیاورد و گفت: ره‌آورد عزاداری امسال برای مراجع و علما این بود که قضیه شهوت پرستی خود با زنان فاحشه، زنان شوهردار، زنان یهود و زنان نصاری را ترویج دادند!!

او تنها زنان وهابی را نام نبرد که شاید در آینده بی‌حیایی او به حدی برسد که آنان را هم به این زنان اضافه کند! او می‌گوید: "دومین ره‌آورد عزاداری امسال این بود که مردم خمس مال خود را به علما دادند." شما قضاوت کنید؛ آیا دیوانه‌ها به صحبت‌های او نمی‌خندند؟! این شخص باید در دیوانه خانه زنجیر شود نه اینکه در یک شبکه تلویزیونی حرف بزنند!!

همچنین می‌گوید: "سومین ره‌آورد عزاداری، ایجاد فتنه میان امت اسلامی است!" این حرف در حالی مطرح می‌شود که در روز تاسوعا و عاشورا و حتی مراسم شیرخوارگان حسینی عزیزان اهل سنت در کردستان، زاهدان، بندرعباس و آذربایجان غربی و یا استان‌های دیگر در کنار شیعیان عزاداری می‌کردند.

همچنین در انفجار شهر چابهار که به تأثیر از قول وهابیت پلید، فرزندان یزید بن معاویه و شاگردان شیاطین خودشان را در سینه‌زنی منفجر کردند، چند نفر از اهل سنت شهید شدند!

این فاجعه بهترین دلیل نشانگر عشق و محبت اهل سنت به امام حسین (علیه السلام) بود. اهل سنت امام حسین را دوست دارند و به امام حسین (علیه السلام) علاقه دارند.

یک اهل سنت نمی‌آید مثل شما اینقدر بی‌حیا باشد که شب عاشورا لباس قرمز بپوشد و فرداشب منافقانه لباس مشکی بپوشد!!

کلیپ آن را دوستان ما از جمله آقای یزدانی پخش کردند؛ شب عاشورا آقای بی‌عقل لباس قرمز پوشیده است. این مسئله خود نشانگر این است که شما دارید از شهادت امام حسین (علیه السلام) شماتت می‌کنید!! چرا شب‌های دیگر لباس قرمز نمی‌پوشیدی؟!

آیا اتفاق افتاد که تو در شب قتل خلیفه دوم یا خلیفه سوم لباس قرمز بپوشی؟! چطور شد که در شب عاشورا لباس قرمز پوشیدی؟! چند نفر به لباس او اعتراض کردند و او فرداشب لباسی تیره رنگ پوشیده بود، اما آقای «خدمتی» پیراهن کاملاً مشکی پوشیده بود!

زمانی که به او گفتند: چرا لباس مشکی نمی‌پوشی؟! او گفت: "لباس مشکی لباس جهنمیان است و لباس فرعون است!!" شب جمعه هم هرکسی روی خط آمد، گفت: از اینکه آقای «خدمتی» لباس جهنمیان را پوشیده است، ما به او تسلیت می‌گوییم!"

زمانی که اقداماتی منافقانه انجام می‌دهند، چه بسا عزیزان اهل سنت هم به کارهای آنان اعتراض می‌کنند. کلیپ دیگری از آن آقای که در لس آنجلس است پخش کردند که او دیگر اصلاً آبرو و حیثیتی ندارد.

او یک شب می‌گوید: "ما در شب قتل عمر بن خطاب و شهادت عثمان هم لباس مشکی نمی‌پوشیم!" اما در یک جلسه که لباس مشکی پوشید، گفت: "ما با توجه به احترامی که در قبیله داریم و شب شهادت امام حسین لباس مشکی می‌پوشند، به احترام شهادت امام حسین لباس مشکی می‌پوشم!"

این افراد اصلاً عقل خود را از دست دادند. واقعاً آقای «ملازاده» نام زیبایی گذاشت و یکی از این افراد را مشخص کرد، اما دیگران را هم باید هم نام او خطاب کنیم.

من در خدمت شما هستم.

مجری:

خیلی متشکرم. بنابراین در اینجا بحث کاملاً روشن و معین شد که اگر روایتی هم درباره معاویه وجود دارد، به معنای روایت ضعیف نیست. در واقع کاملاً روایت جعلی و ساختگی است که در مورد معاویه آمده و نقل شده است.

من یک سؤال دیگر بپرسم؛ در واقع به دلیل اینکه برنامه ما یک ساعت و نیم هست و تا ساعت ۲۱:۳۰ در خدمت دوستان بیننده هستیم، در مورد این سؤال هم مختصر و مفید بفرمایید تا ان شاء الله بخشی از برنامه هم به دوستان خوب بیننده ما اختصاص پیدا کند.

اگر دوستان شیعه یا عزیزان اهل سنت خواستند تماس بگیرند، از طریق راه‌های ارتباطی که زیرنویس شده است می‌توانند پیامک بفرستند یا از طریق واتس آپ و تلگرام و وایبر با ما در ارتباط باشند.

استاد سؤالی برای من خیلی مهم است و می‌خواهم ببینم مثلاً از صحابه یا از علمای متقدمین اهل سنت نسبت به مذمت معاویه روایتی نقل شده است یا نه.

شما از آن طرف فرمودید که روایات جعلی در مورد معاویه زیاد است. اگر از اینطرف نگاه کنیم، می‌خواهیم ببینیم در مورد مذمت معاویه مطالبی نقل شده است یا خیر!؟

نقل روایاتی در مذمت معاویه از قول صحابه!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ببینید در این زمینه مطالب زیادی وجود دارد، اما چون فرصت نداریم من تلاش می‌کنم مقداری مطالب را خلاصه بیان کنم. از «حسن بصری» روایتی نقل شده است که در کتب متعدد اهل سنت وارد شده است.

به عنوان مثال در کتاب «تاریخ طبری» جلد ۳ صفحه ۲۳۲ نقل می‌کند که عایشه آمد و به معاویه گفت:

«یا معاویه أما خشیت الله فی قتل حجر وأصحابه»

ای معاویه! تو از خدا نترسیدی که حجر بن عدی و اصحاب او را کشتی؟

«قال لست أنا قتلتهم إنما قتلهم من شهد عليهم»

من او را نکشتم، بلکه کسانی که بر علیه او شهادت دادند او را کشتند.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت،

ج ۳، ص ۲۳۲، باب تسمية من نجا منهم

عبارت از این بالاتر می‌خواهید که عایشه به او اعتراض می‌کند؟! جوابی که معاویه در اینجا می‌دهد، همانند جوابی است که در زمان کشتن «عمار» بیان کرد.

او در زمان شهادت عمار گفت: پیغمبر اکرم گفته است که قاتل عمار در آتش جهنم است، اما عمار را من نکشتم بلکه او را علی کشته است؛ زیرا اگر علی بن ابی طالب عمار را از منزل خود بیرون نمی‌آورد و در برابر شمشیر ما قرار نمی‌داد او کشته نمی‌شد!!

امیرالمؤمنین در جواب او پیغام دادند: بنابراین قاتل حمزه هم پیغمبر اکرم است، زیرا اگر رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) حمزه را در جنگ احد بیرون نمی‌آورد او کشته نمی‌شد!

بینید چطور مغلظه می‌کنند! او در جواب عایشه می‌گوید: من او را نکشتم، بلکه کسانی که بر علیه او شهادت دادند او را کشتند. زمانی که افرادی بر علیه انسانی شهادت می‌دهند و تو دستور قتل او را صادر می‌کنی قاتل واقعی تو هستی.

«حسن بصری» که از علمای بزرگ و از شخصیت‌های برجسته اهل سنت و متوفای ۱۱۰ هجری است، می‌گوید: چهار خصلت در معاویه بود که تنها یکی از این خصائص کافی بود تا او را هلاک کند و وارد آتش جهنم کند.

«انْتِزَاؤُهُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالسَّيْفِ حَتَّى أَخَذَ الْأَمْرَ مِنْ غَيْرِ مَشُورَةٍ، وَفِيهِمْ بَقَايَا الصَّحَابَةِ وَدُوُو الْفَضِيلَةِ»

او سفیهی همانند یزید و سفیهان دیگری همانند مروانیان و افرادی که مطرود نبی مکرم اسلام بودند را بر امت اسلامی سوار کرد و به آنان مسئولیت داد بدون اینکه با افرادی که بقایای صحابه و صاحبان فضیلت در جامعه بودند، مشورت کند.

«وَاسْتِخْلَافُهُ بَعْدَهُ إِنَّهُ سَكَّيْرًا حَمِيْرًا»

او فرزند شرابخوار و مست خود را بر مردم به عنوان خلیفه معین کرد.

«يَلْبَسُ الْخَرِيرَ وَيَضْرِبُ بِالطَّنَائِبِرِ، وَادْعَاؤُهُ زِيَادًا، وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَلِلْعَاهِرِ الْحَجْرُ»»

سومین کار اشتباه او این بود که «زیاد بن ابیه» را برادر خود معرفی کرد. او گفت: پدر من با مادر این شخص شبی زنا کرده است و این شخص به دنیا آمده است و او برادر من است.

«وَقَتْلُهُ حُجْرًا وَأَصْحَابَ حُجْرٍ»

الكامل في التاريخ، المؤلف: أبو الحسن علي بن أبي الكرم، الشيباني الجزري، عز الدين ابن الأثير
(المتوفى: ٦٣٠هـ)، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، الطبعة:

الأولى، ١٤١٧هـ / ١٩٩٧م، ج ٣، ص ٨٢

بنابراین «حسن بصری» می‌گوید: چهار خصلت در معاویه است که اگر یکی از آنها در شخصی باشد، او را هلاک می‌کند و وارد آتش جهنم می‌کند.

همچنین آقای «ابو الفداء» در کتاب «المختصر فی أخبار البشر» که یکی از کتب معتبر تاریخی است جلد اول صفحه ٢٣٠ این روایت از «ابن جوزی» و او از «حسن بصری» نقل کرده است.

«ابن جوزی» در کتاب «المنتظم» جلد پنجم صفحه ٢٤٣ همین تعبیر را از «حسن بصری» نقل می‌کند و می‌گوید: چهار ویژگی در معاویه بود که تک تک این صفات برای هلاکت او کافی بود.

روایت دیگر در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد نهم وارد شده است. شاید بعضی از عزیزان رنجیده خاطر شوند که ما داریم این‌طور در مورد معاویه صحبت می‌کنیم. «حسن بصری» که از علمای اهل سنت است و عبارت او را هم از منابع مختلف آوردیم.

شما این روایت را هم مشاهده کنید که در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد نهم روایتی را از «عبدالرزاق صنعانی» نقل می‌کند. «عبدالرزاق صنعانی» متوفای ٢١٥ هجری و استاد «بخاری» است. او می‌گوید:

«فذكر رجل معاوية فقال لا تقدر مجلسنا بذكر ولد أبي سفيان»

شخصی نزد او اسم معاویه را آورد و او گفت: مجلس ما را با نام پسر ابوسفیان نجس نکن.

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ١٤١٣، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی،

ج ٩، ص ٥٧٠، باب ٢٢٠

این شخصی که می‌گوید: "هرکسی نسبت به معاویه بدگویی کند، مسلمان نیست"؛ آیا حاضر است که بگوید: «عبدالرزاق صنعانی» مسلمان نیست؟!

بلکه در همین کتاب «سير أعلام النبلاء» جلد نهم از «یحیی بن معین» که از بنیانگذاران علم رجال است، روایتی نقل می‌کند و می‌گوید:

«لو ارتد عبد الرزاق عن الإسلام ما تركنا حديثه»

عبدالرزاق اگر مرتد هم شود، ما به روایات او عمل می‌کنیم.

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ١٤١٣، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی،

ج ٩، ص ٥٧٣، باب ٢٢٠

زمانی که کسی به روایات او عمل کند، بنابراین فتوای او بر روایاتش مقدم است! شاید گاهی اوقات پیش بیاید که روایاتی نقل کند، اما اعتماد نکند و نظر خلاف داشته باشد.

زمانی که فتوا می‌دهد، نظر اعلام می‌کند و می‌گوید: "مجلس ما را با ذکر نام پسر ابوسفیان نجس نکن"، فراتر از روایت است. او می‌گوید: اگر «عبدالرزاق» مرتد هم شود، ما از او دست نمی‌کشیم!!

همچنین «ابو جعفر طحاوی» متوفای ۳۲۱ هجری در کتاب «شرح معانی الآثار» تعبیری از «عکرمه» نقل می‌کند. ما «عکرمه» را قبول نداریم، اما شما که او را قبول دارید و او را از مفسران خودتان می‌دانید، به این روایت توجه کنید.

او می‌گوید: من و «ابن عباس» نزد معاویه بودیم، با هم حرف می‌زدیم تا بخشی از شب گذشت.

«فَقَامَ مُعَاوِيَةُ فَرَكَعَ زَكْعَةً وَاحِدَةً»

معاویه بلند شد و یک رکعت نماز شب خواند.

«فَقَالَ بَنُ عَبَّاسٍ مِنْ أَيْنَ تُرَى أَخَذَهَا الْحِمَارُ»

سپس ابن عباس گفت: این الاغ از کجا این فتوا را یاد گرفته است؟!

شرح معانی الآثار، اسم المؤلف: أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة أبو جعفر الطحاوی،

دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۳۹۹، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد زهري النجار، ج ۱، ص

۲۸۹، بَابُ الْوُثْرِ

اجازه بدهید من دوباره مصدر را بیاورم. نویسنده این کتاب «حنفی» مذهب بوده و تحقیق این کتاب هم به وسیله یکی از شخصیت‌ها و بزرگان انجام شده است.

شاید بعضی از افراد بگویند که این کتاب صحیح نباشد. ملاحظه کنید در کتاب «نخب الأفكار فی تنقیح مبانی الأخبار» اثر «امام بدرالدین عینی» شارح «صحیح بخاری» است. او در جلد پنجم این روایت را نقل می‌کند:

«من أين تُرى أخذها الحمار؟!»

چه عجب این الاغ از کجا یاد گرفته است که نماز شب را یک رکعتی خوانده است؟!

سپس او در صفحه بعد می‌گوید:

«أخرج ذلك من طريقين صحيحين على شرط مسلم»

نخب الأفكار في تنقيح مباني الأخبار في شرح معاني الآثار، المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بدر

الدين العيني (المتوفى: ٨٥٥ هـ)، المحقق: أبو تميم ياسر بن إبراهيم، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون

الإسلامية - قطر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٩ هـ - ٢٠٠٨ م، ج ٥، ص ٨٠

این هم تصحیح روایت! شما اگر اشکال داشته باشید، باید بروید به افرادی مانند «ابن عباس»، «حسن بصری»،

عایشه و دیگر افرادی که او را لعنت می‌کردند؛ اشکال کنید. این افراد معاویه را لعنت می‌کردند!

وجود نازنین امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در قنوت نماز خود معاویه را لعنت می‌کرد. شما باید بروید به این

افراد اعتراض کنید. قضیه خیلی فراتر از این قضایاست که شما خیال می‌کنید!

عزیزان اهل سنت ما که واقعاً عاشق امام حسین (علیه السلام) هستید و واقعاً به امام حسین (علیه السلام)

علاقه دارند و امام حسین (علیه السلام) را «سیدی شباب أهل الجنة» می‌دانند.

انشاءالله ما در آینده نقش معاویه را در به شهادت رساندن امام حسین (علیه السلام) از منابع اهل سنت برای

آنان خواهیم خواند تا خودشان قضاوت کنند و ما هیچ قضاوتی نمی‌کنیم.

من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

خواهش می‌کنم، استاد خیلی متشکرم. این برنامه زنده «حبل المتین» است که طبق معمول یکشنبه شبها به

صورت زنده تقدیم حضور شما می‌شود. همین‌جا یک سلام و درود دارم خدمت دوستان خوبی که تکرار برنامه را

همراهی می‌فرمایند.

حالا نمی‌دانم در چه ساعتی از شبانه روز هست و در کجای این عالم هستید! مهم این است که این همدلی میان ما و شما وجود دارد و این عشق و ارادت و محبتی که به ساحت نورانی و ملکوتی سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) هست.

بخشی از پیام‌های بینندگان برنامه:

آقا قنبر از بندر لنگه برای ما پیام فرستادند و گفتند: عرفه کربلا بودند و دعاگوی ما بودند. از ایشان و دیگر عزیزانی که وقتی به اماکن مقدس می‌روند به یاد بچه‌های «شبکه جهانی ولایت» هستند، خیلی ممنونیم. دل به دل راه دارد!

ما هم به یاد شما هستیم؛ مخصوصاً عزیزانی که در خارج از کشور هستند و برنامه زنده ما را می‌بینند بنده به شخصه مقید هستم که هر جای زیارتی و اماکن مقدس و در مناسبت‌ها ویژه دوستان را یاد می‌کنم.

دل‌های عزیزانی که در خارج از کشور هستند برای این اماکن مقدس پر می‌زند و شاید امکان دسترسی برای آنان کمتر وجود داشته باشد تا عزیزانی که در ایران هستند.

از آقای بهرامی از اهواز هم ممنون و سپاسگذار هستم.

خواهر بزرگوارمان خانم بشارت از اصفهان گفتند: از حضرت زینب (سلام الله علیها) بیشتر بگویید.

ما فعلاً بحث شبهاتی است، اما میان برنامه‌ای که دوستان انتخاب کردند از حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) است.

از آقای علی دلشادی از تبریز ممنون و سپاسگذار هستیم.

از آقا محسن عرب از زرنند کرمان هم ممنون و سپاسگذار هستیم که بزرگواری کردند و برای ما پیام فرستادند.

پیام‌ها خیلی زیاد است، من فقط برای نمونه چند مورد از این موارد را بیان کردم. این روزها، روزهایی است که شیرزن کربلا در مسیر به ظاهر اسارت خودش را نشان می‌دهد و پیام کربلا را منزل به منزل به همه ابلاغ می‌کند.

اگر امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به شهادت رسید، حضرت زینب (سلام الله علیها) شیرزن کربلا و یادگار حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به همراه وجود نازنین سیدالساجدین امام سجاد (علیه السلام) این رسالت را انجام دادند.

اگر بخواهیم حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) را در یک دو بیتی توصیف کنیم، باید این‌طور بگوییم:

زن مگو مردآفرین روزگار

زن مگو بنت الجلال أخت الوقار

زن مگو عرش خدا را قائمه

یک محمد، یک علی، یک فاطمه!

انشاءالله عزاداری‌های شما قبول باشد. این نوحه عزاداری آقای فخری خیلی قدیمی است و واقعاً گفتگو و وصیتی که وجود نازنین امام حسین (علیه السلام) به خواهر عزیزشان حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) دارند را بیان می‌کند.

زمانی که این مداحی را می‌شنویم، دقیقاً یاد همین روزها که دوران اسارت آل الله است، می‌افتیم. این روزها نهایت غربت و مظلومیت اهل بیت عصمت و طهارت است و فکر می‌کنم چیزی که دل امام زمان (ارواحنا له الفداه) را خیلی به درد می‌آورد همین است.

تماس‌های بینندگان برنامه:

ما از این لحظه در خدمت عزیزان خوب بیننده هستیم. چه دوستان شیعه و چه عزیزان اهل سنت که روی خط ارتباطی ما می‌آیند، ان شاءالله مختصر و مفید مطالب خودشان را بیان کنند.

خیلی فرصت نداریم و می‌خواهیم از این فرصتی که در اختیار ما هست، استفاده کنیم و صدای گرم شما دوستان خوب بیننده را بشنویم.

آقای مؤمن الطاق از بهبهان اولین بیننده ما هستند. خدمت شما سلام عرض می‌کنم، شب شما بخیر:

بیننده (آقای مؤمن الطاق از بهبهان - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. سلام عرض می‌کنم خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی و مجری گرامی آقای اسماعیلی.

مجری:

سلامت باشید، ممنونم.

بیننده:

اگر ممکن است من چند سؤال از حضرت استاد داشتم. اجازه است پیرسم؟

مجری:

بله، ما در خدمت شما هستیم.

بیننده:

حاج آقای قزوینی یکی از دوستان من چند وقت پیش به من گفت که شما «ابن ابی حمزه بطائنی» را توثیق کردید، درحالی که علمای علم رجال شیعه چنین شخصی را تضعیف کردند. می‌خواستم ببینم دلیل توثیق شما چه بوده است؟!

همچنین می‌خواستم دلایل توثیق «سهل بن زیاد» و «محمد بن سنان» را هم بدانم. مسئله دیگری هم وجود دارد که آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (حفظه الله) در یکی از کتب خود به نام «فقه الصادق» زمانی که یک راوی را می‌آورند، می‌گویند:

این راوی مجهول است، اما «ابراهیم بن هاشم (رحمة الله علیه)» پدر «علی بن ابراهیم قمی» از این شخص روایت نقل کرده است. روایت کردن (ابراهیم بن هاشم) از این راوی موجب توثیق او می‌شود.

من می‌خواستم نظر آیت الله قزوینی را بدانم که آیا روایت کردن (ابراهیم بن هاشم) از یک راوی موجب توثیق آن فرد می‌شود یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من این مطالب را به صورت خیلی خلاصه عرض می‌کنم. از همین پایین به بالا برویم؛ ما تنها روایت سه نفر را مایه توثیق می‌دانیم که مرحوم «شیخ طوسی» ادعای اجماع می‌کند.

«اجمعة الطایفة لأنهم لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقة»

یکی از این افراد «ابن ابی عمیر» هست، دیگری «صفوان بن یحیی» است و دیگری «احمد بن ابی نصر بنزلی» است. عقیده ما این است که هر روایتی که از طریق این سه نفر نقل شود، صحیح است. این سه نفر ثقة هستند و در او هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

نسبت به اصحاب اجماع هم که آیا منقولات این افراد مورد تصحیح است یا مرویات این افراد مورد تصحیح است؛ تفاوت وجود دارد. میان منقولات و مرویات تفاوت وجود دارد!

خود ما هم بنا به نظر سیدنا الأستاذ آیت الله العظمی شبیری زنجانی ما این مطالب را دلیل بر وثاقت نمی‌دانیم؛ اما در نبود یک روایت صحیح و معتبر این‌ها را دلیل بر حسن حال می‌دانیم.

با وجود روایتی که با توثیق اصحاب اجماع به آن عمل کنیم، بهتر از این است که زیر سایه اصول عملیه برویم و برای اصالت البرائه عقلیه و یا نقلیه استصحاب سینه بزینیم.

عزیزان دقت کنند عمل کردن به دو روایت ضعیف بهتر از عمل کردن به اصول است و این عقیده شخصی است.

ما نسبت به «علی بن اُبی حمزه بطائنی» که درباره او مذمت زیاد است و از بنیانگذاران مذهب «واقفیه» بوده است؛ اما ما باز هم بنا به طبع سید استاد آیت الله العظمی شبیری زنجانی خلافا لسید الخوئی بر این عقیده هستیم.

در این که «علی بن اُبی حمزه بطائنی» ضعیف است، هیچ شک و شبهه‌ای نیست؛ اما روایاتی که بزرگان ما همانند «صفوان» و دیگران از او نقل کردند مربوط به دوران استقامت او بوده است، نه دوران انحراف او!

بعضی از افراد از وکلای خاص امام کاظم (سلام الله علیه) بودند که در زمان استقامت بسیار متدین بودند.

ما در میان طلاب هم افرادی را داشتیم که نماز شب او هم ترک نمی‌شد، اما لباس را کنار گذاشت و ریش خود را تراشید و به مسیر انحراف کشیده شدند.

ما از «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» و کتب شیعیان روایاتی داریم مبنی بر اینکه افرادی یک عمر کار خوب می‌کنند، اما عاقبت از اسلام بیرون می‌روند و تقوا و عدالت را کنار می‌گذارند.

امثال «ابی حمزه بطائی» و دیگران دوران استقامت داشتند، دوران عدالت داشتند، دوران تقوا و دوران بی‌تقوایی داشتند! ما در مورد این افراد می‌گوییم: روایاتی که این افراد نقل کردند، تماماً مربوط به دوران تقوای این‌هاست.

زمانی که مطرود امام رضا (علیه السلام) شد و امام رضا (علیه السلام) در مذمت او روایت فرمودند، یقیناً امثال «صفوان» و دیگر روایت شیعه از او نقل روایت نمی‌کنند.

نکته سوم در رابطه با «عبدالله بن سنان» ما هیچ شکی در رابطه با وثاقت او نداریم. نسبت به «محمد بن سنان» ما روایت او را ترجیح می‌دهیم.

مذمتی نسبت به «محمد بن سنان» و «صفوان بن یحیی» و «زراره» آمده است. ما هم روایاتی در مدح این افراد از ائمه طاهرین (علیهم السلام) داریم و هم در رابطه با ذم این افراد روایاتی داریم!

بهترین راه جمع این روایات فرمایش امام صادق (علیه السلام) به «عبدالله بن زراره» است که در بعضی از جاها امام صادق (علیه السلام) «زراره» را لعنت می‌کنند و می‌فرمایند: خدا زراره را لعنت کند و من و پدرانم از او بیزاریم.

همچنین در جای دیگر به پسر «زراره» می‌فرماید: به پدرت سلام برسان!

به نظر من امام صادق (علیه السلام) برای اینکه به حکومتی‌ها بفهمانند میان ما و «زراره» رابطه دوستی وجود ندارد، و نیایند به اتهام طرفداری از ما این شخص را اعدام کنند برای محافظت ایشان مذمت می‌کنند.

همان‌طوری که حضرت خضر کشتی را سوراخ کردند، حضرت موسی اعتراض کردند؛ اما سوراخ شدن کشتی دوران امر بین این بود که آیا کشتی سوراخ شود و در دست صاحب خود بماند یا اینکه حکومتی‌ها کشتی را مصادره کنند!!

حضرت خضر کشتی را سوراخ کرد و کشتی معیوب شد، اما همین کشتی معیوب در دست صاحب خود ماند و با همان کشتی معیوب خود هم مسافرکشی می‌کرد و کشتی را تعمیر کرد.

نظر ما در مورد «زراره» و «صفوان» و «محمد بن سنان» و تعدادی روایتی که مذمت شده است، همین است.

مجری:

آقای مؤمن الطاق از شما ممنونم. فرصت نداریم و بیننده عزیز دیگری پشت خط هستند و باید صحبت‌های ایشان را هم بشنویم. از شما متشکرم و با شما خداحافظی می‌کنم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ادامه سؤال خود را می‌توانید در جلسه دیگر یا از طریق فضای مجازی مطرح کنید و من به سؤال شما پاسخ می‌دهم.

ایشان در فضای مجازی تلاش‌های زیادی دارند؛ مخصوصاً در بعضی از قسمت‌ها که مربوط به خوزستان هست، خوب تلاش می‌کنند. من از ایشان و همه عزیزانی که تلاش می‌کنند تشکر می‌کنم و شاید به بعضی از تندرهای آنان اعتراض داشته باشم.

من همین‌جا به همه عزیزان شیعه که در فضای مجازی فعالیت می‌کنند، توصیه می‌کنم تلاش کنند ادبیات ائمه طاهرین (علیهم السلام) را فراگیرند.

ما تربیت شده مکتب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هستیم که در مورد معاویه که او را مسلمان نمی‌دانند، می‌فرمایند:

«إِنِّي أكره لكم أن تكونوا سبائين»

نمی‌خواهم به معاویه ناسزا بگویند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۲۳، ح

۲۰۶

از هرگونه اهانت، توهین و جسارت به مقدسات اهل سنت اجتناب کنید. اگر آنها هم فحاشی کردند:

(وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)

چون جهالت پیشگان، خطابشان کنند سخن ملایم گویند.

سوره فرقان (۲۵): آیه ۶۳

بنده عذر می‌خواهم یک سری سگان اجاره‌ای عربستان سعودی در فضای مجازی هستند از جمله «میکائیل» کافر و لامذهب و بی‌دین و منافق و امثال او که جسارت‌هایی می‌کنند.

من از عزیزان تقاضا می‌کنم که اگر واقعاً حرف ما را می‌پذیرند در برابر این افراد جسارت نکنید؛ اما نسبت به وهابیت هرچه می‌توانند آنان را رسوا کنید. «ابن تیمیه» بت شده است، تا می‌توانید این بت را بشکنید.

«محمد بن عبدالوهاب» و «بن باز» و «آل شیخ» پلید که فتوا به کفر تمام ایرانیان داد، نسبت به این‌ها هرچه می‌دانید بیرون بیاورید و منتشر کنید؛ اما نسبت به صحابه یا نوامیس رسول گرامی اسلام جسارت نکنید.

من از تمام عزیزان تقاضا می‌کنم در این زمینه مقداری سعه صدر داشته باشند. یکی از دوستان قضیه ای نقل می‌کرد. بنده خدایی می‌گفت: من با ماشین می‌رفتم، شخصی آمد و از کنار من رد شد، دست روی بوق گذاشت

و شیشه ماشین را پایین کشید و به من گفت الاغ!

خلاصه او جلو آمد و من هم پایین آمدم و سلام کردم و گفتم: برادر عزیزم اولاً الاغ به ماده می‌گویند و من نر هستم و به من خر می‌گویند؛ شما ظاهراً بین نر و ماده اشتباه کردید. ثانیاً به گمانم شما حضرت سلیمان هستید، زیرا حضرت سلیمان حیوانات را می‌شناختند.

ظاهراً شما چشم سلیمانی دارید و به من نگاه کردید و من را شناختید و به من الاغ گفتید. آن شخص هم عذرخواهی کرد و الآن هم با هم دوست صمیمی هستیم.

ببینید یک لحظه تحمل کردن و یک لحظه حلم نتایج خوبی به بار دارد. طبق تعبیر قرآن کریم:

(وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا)

بعضی افراد سعه صدر دارند و از سعه صدر هم استفاده می‌کنند. بنده بارها عرض کردم با یکی از بزرگواران که شاید الآن هم بیننده این برنامه باشد، در خراسان در جلسه‌ای بودیم. او در آن جلسه شروع کرد و آنچه از دهانش درمی‌آمد را به من گفت.

او گفت: "شما دروغ می‌گویید، به «بخاری» دروغ می‌بندید" و خلاصه هرچه که توانست به من گفت و سن او هم از من کوچک‌تر بود و در اطراف ما هم چند نفر نشسته بودند.

من به اخوی خود زنگ زدم و گفتم: کتاب «صحیح بخاری» را بیاور. او آورد و آن کتاب را باز کردم و گفتم: خودتان بخوانید. او کتاب را خواند و دید همان روایتی که من نقل می‌کنم در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است.

من دیدم که رنگ او قرمز شد و خجالت کشید. حرف را برگرداندم و بحث را عوض کردم. من نه تنها به توهین او جواب ندادم، بلکه اصلاً بحث را منحرف کردم و به جای دیگری کشاندم. خود او هم فهمید و همین مسئله باعث رفاقت ما شد.

ایشان در جلسه‌ای در منزل ما که کلیپ آن هم موجود است و آیت الله العظمی شبیری زنجانی، آیت الله مقتدایی، آیت الله خزعلی و آیت الله العظمی سبحانی هم حضور داشتند، رسماً تشیع خود را اعلام کرد.

او در آنجا هم گفت: شیعه شدن من نتیجه برخورد دوستانه آیت الله حسینی قزوینی است. او گفت: من روزی در جلسه‌ای تا توانستم به ایشان توهین و جسارت کردم، اما ایشان سعه صدر نشان دادند.

همین مسئله باعث شد که من بینم در مکتبی بزرگ شدم که به مجرد اینکه روایتی را شنیدم، شروع کردم به آن جسارت کردم و ایشان در مکتبی بزرگ شده است که در برابر تندی من نه تنها پاسخ ندادند، بلکه با محبت برخورد کردند. کدام بهتر است؟!

مجری:

قطعاً سفارش حضرتعالی و توصیه قرآن کریم بهتر است. خیلی متشکرم؛ از خانم سلیمیان هم که قرار بود با ایشان صحبت کنیم عذرخواهی می‌کنیم، زیرا وقت ما تمام شد.

برخی از دوستان بیننده که نامشان را گفتند و قرار بود روی خط ارتباطی برنامه زنده «جبل المتین» بیایند. از محضر این عزیزان عذرخواهی می‌کنم، ان شاءالله در فرصت‌های آینده در برنامه‌های بعدی از محضر آنان استفاده خواهیم کرد.

استاد حسن ختام برنامه دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما ان شاءالله هفته آینده قول می‌دهیم که اگر حضرتعالی مدیریت کردید، یک ربع به ۹ بچثمان را ببندیم. عزیزان به ما هم خیلی گلایه می‌کنند و می‌گویند که ما پشت خط برنامه شما می‌آییم.

ما به دو یا سه نفر نمی‌توانیم بیشتر پاسخ بدهیم. بعضی از سؤالات عزیزان از جمله سؤالات امشب سؤالات تخصصی است. دوستان می‌توانند این سؤالات را در فضای مجازی بیاورند تا به سؤالات آنان پاسخ بدهیم.

همچنین می‌توانند از جناب آقای یزدانی، حاج آقای ابوالقاسمی، حاج آقای عباسی و حاج آقای روستایی بپرسند. ایشان نظر شخصی من را خواسته بودند و همین کتاب «المدخل علم الرجال و الدرایه» را می‌توانند مطالعه کنند که روی سایت هم موجود است.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی زینب کبری (سلام الله علیها) فرج مولای ما امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نزدیک بگردان، ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بده.

خدایا به قلب شکسته حضرت زینب (سلام الله علیها) قلب نازنینش را از ما راضی و خوشنود بگردان.

خدایا به آبروی حضرت زینب کبری رفع گرفتاری از همه گرفتاران مخصوصاً عزیزان ما در عراق و سوریه و یمن و بحرین و جای جای این دنیا گرفتارند، از همه آنان رفع گرفتاری بنما.

خدایا مجاهدین ما که در سوریه و عراق و یمن علیه کفر جهانی و علیه نفاق و نواصب می‌جنگند، به آبروی زینب کبری نصرت نهایی بر آنان کرم و عنایت بفرما.

خدایا کسانی که علیه قرآن و اسلام و اهل بیت تلاش می‌کنند، به ویژه وهابیت تکفیری و اربابان آنان که قابل هدایت نیستند را به آبروی زینب کبری مفتضح و نابود بگردان.

خدایا به آبروی زینب کبری حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً عزیزان ولایت یاور برآورده نما، دعاها را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

يا رب الحسين بحق الحسين اشف صدر الحسين بظهور الحجة يا رب الحجة بحق الحجة اشفى صدر الحجة

بظهور الحجة

التماس دعای خیر داریم، یا علی مدد، خدانگهدار